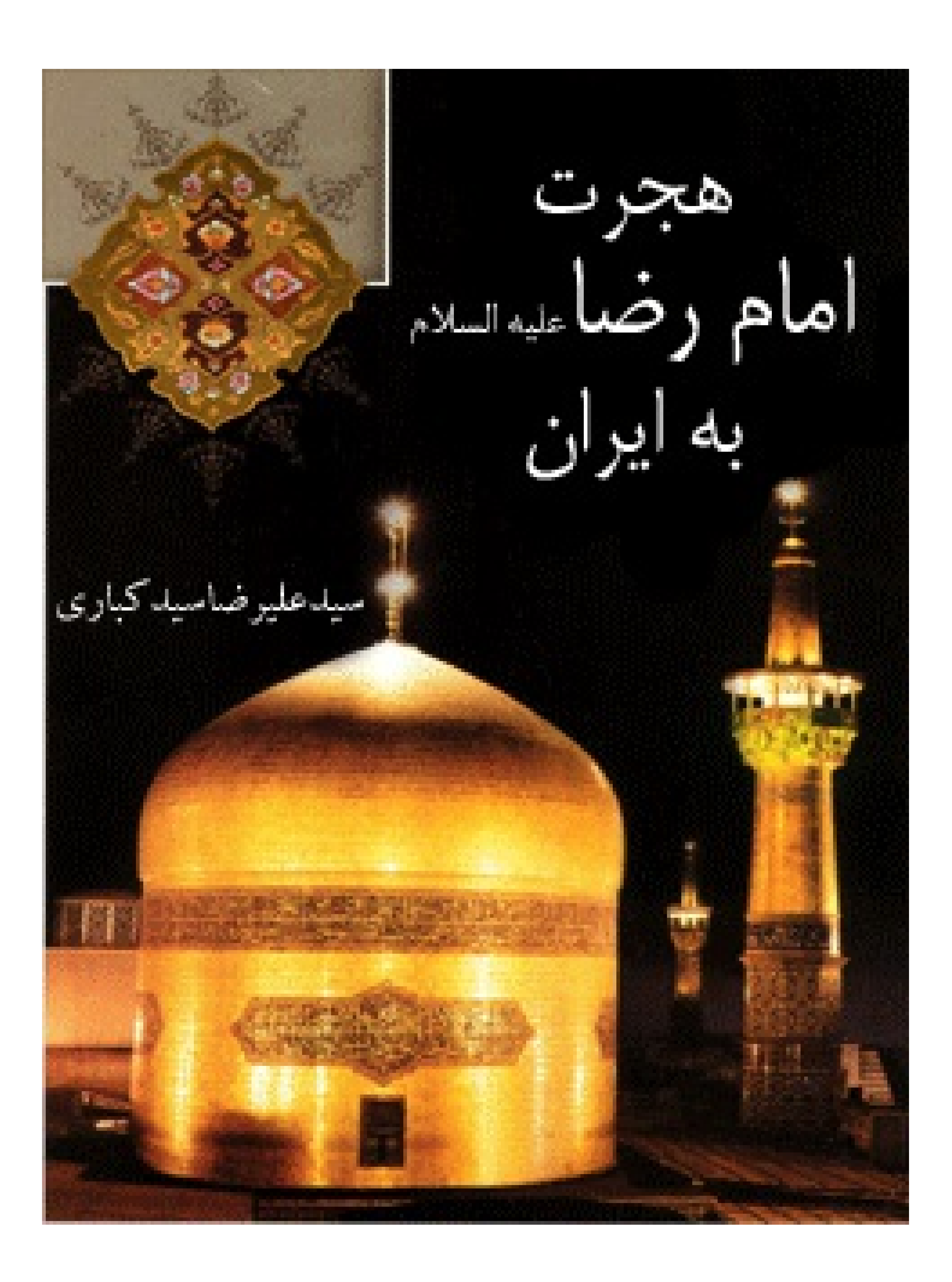

هجرت
امام رضا علیه السلام
به ایران
سید علیرضا سید کباری


بسم الله الرحمن الرحيم

هجرت امام رضا (علیه السلام) به ایران

نویسنده:

علیرضا سید کباری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

هجرت امام رضا علیه السلام به ایران

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: هجرت امام رضا علیه السلام به ایران، سید علیرضا سید کباری

ناشر : سید علیرضا سید کباری

سرشناسه: سید کباری علیرضا، ۱۳۴۴

موضوع: علی بن موسی (ع ، امام هشتم ق ۲۰۳ - ۱۵۳

عصر رضوی

حضرت امام رضا - علیه السلام - پس از شهادت پدر بزرگوارش، در سال ۱۸۳ هجری در ۳۵ سالگی، عهده دار مقام امامت شد. دوره امامت ایشان بیست سال بود که ده سال نخست آن با خلافت «هارون الرشید» ، پنج سال با خلافت «محمد امین» و پنج سال آخر با خلافت «عبدالله المامون معاصر بود.

با شهادت امام موسی کاظم (ع)، سیاست ضد علوی عباسیان با شکست مواجه شد. مردم بیش از پیش به اهل بیت عصمت (ع) گرایش پیدا کردند و این گرایش حتی در میان خانواده خلفا و درباریان نیز رسوخ کرد. چنانکه گویند: زبیده، همسر رشید و نوه منصور و بزرگترین زن عباسی، شیعه شد و چون هارون الرشید از آن آگاهی یافت، سوگند خورد که طلاقش دهد. روایت شده است که وقتی جسد مطهر امام کاظم (ع) را به جمع پاسبانان حکومت آوردند و با سخنان زشت خبر مرگ آن بزرگوار را اعلام کردند، سلیمان، پسر منصور دوانیقی، فرزندان و غلامانش را فرمان داد جلوی این کار را بگیرند. او، خود، با پای برهنه در پی جنازه حرکت کرد و قضیه را کتباً به اطلاع هارون الرشید رساند. هارون در پاسخ گفت: ای عمو، صله رحم کردی، خداوند به تو پاداش نیک دهد؛ به خدا سوگند، سندی بن شاهک این کار را به دستور ما انجام نداده است.

همه این کارها به خاطر هراس از شورش علویان سامان یافت. چه

اینکه سلیمان بن ابی جعفر نیز از برگزیدگان دولت عباسی بود. مؤید این سخن اظهارات هارون در پاسخ به یحیی بن خالد برمکی است. یحیی نخست درباره امام کاظم (ع) سعایت کرد و مقدمات شهادت آن حضرت را فراهم آورد؛ آنگاه درباره امام رضا (ع) به هارون گفت: پس از موسی بن جعفر پسرش جای او نشسته، ادعای امامت می کند.

هارون، از عواقب قتل موسی بن جعفر (ع) بیم داشت، به یحیی گفت: آنچه با پدرش کردیم کافی نیست؟ می خواهی یکباره شمشیر بردارم و همه علویان را بکشم؟

امام رضا (ع) با استفاده از فرصت بدست آمده، آشکارا اظهار امامت کرده؛ در حالی که می دانیم امام صادق (ع)، پنج نفر را وصی خود خواند تا وصی برگزیده از گزند دشمنان در امان ماند.

بدین ترتیب باید گفت که عباسیان طی ۱۵ سال آغازین امامت امام رضا (ع) یا در هراس از علویان به سر می بردند و یا به منازعات داخلی بین دو برادر، امین و مامون، مشغول بودند. سرانجام، پنج روز پیش از پایان محرم سال ۱۹۸ ق، امین از خلافت خلع و به قتل رسید. در این دوره حکومتهای مستقلی چون «ادارسه و «اغالبه پای گرفتند و قیام ابو السرایا روی داد. در این قیام بیش از بیست هزار نفر شرکت داشتند و شهرهای زیادی به تصرف قیام کنندگان در آمد. در سال ۱۹۹ هجری، ابو السرایا به دست نظامیان مامون کشته شد.

نام برخی از والیان شهرهای تصرف شده چنین بود:

والی کوفه؛ اسماعیل بن علی بن اسماعیل بن امام جعفر صادق (ع) والی یمن؛ ابراهیم بن موسی بن جعفر (ع)والی اهواز؛ زید بن موسی بن جعفر (ع)

(زید النار) والی بصره؛ عباس بن محمد بن عیسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن جعفر بن ابیطالب والی مکه؛ حسن بن حسن افطس والی واسط؛ جعفر بن محمد بن زید بن علی واسط؛ حسین بن ابراهیم بن امام حسن (ع)

ولایتعهدی امام رضا

تزلزل شخصیت مأمون و قیامها و حکومتهای مستقلی که در اندک مدتی جان گرفته بود، او را بر آن داشت تا به همان سیاست پیشین عباسیان، که با شعار هایی به نفع علویان حکومت عباسی را از آن خود ساختند، تمسک جوید و رژیم عباسی را با تدبیری زیرکانه از سقوط حتمی نجات بخشد.

بیشتر حکومتهای به استقلال رسیده و عموم قیام کنندگان و رهبران آنها از خاندان پیامبر بودند. چنانکه در قیام ابو السرایا دو تن از برادران امام رضا (ع) ولایت یمن و اهواز را به دست گرفته بودند. مامون، که پس از شهادت امام کاظم (ع) از امامت علی بن موسی الرضا (ع) آگاهی داشت، وی را ولیعهد خود ساخت تا آتش انقلابها و شورشهای شیعی را فرو نشاند.

احمد شبلی می گوید: ... چه بسا انگیزه بیعت گرفتن مامون برای ولایتعهدی امام رضا (ع) آن بود که می خواست به آمال اهل خراسان پاسخ بدهد؛ زیرا آنان به اولاد علی (ع) تمایل بیشتری داشتند.

علامه جعفر مرتضی حسینی می گوید:

در ارزیابی شورشهای ضد عباسی به این نکته پی می بریم که از سوی علویان خطری جدی آنان را تهدید می کرد؛ زیرا این شورش ها در مناطق بسیار حساسی برمی خاست و رهبریشان نیز در دست افرادی بود که از استدلال قوی و شایستگی غیر قابل انکاری برخوردار بودند و بدان لحاظ هرگز با عباسیان قابل مقایسه نبودند.

اینکه مردم

رهبران این شورش ها را تایید می کردند و دعوتشان را به سرعت پاسخ می گفتند، خود دلیلی بود بر میزان درک طبقات مختلف ملت از خلافت عباسیان و نیز شدت خشم شان که بر اثر استبداد، ظلم و رفتارشان با مردم و بویژه با علویان برانگیخته شده بود.

در این میان، مامون بیش از هر کس دیگری می دانست که اگر امام رضا (ع) بخواهد از آن فرصت استفاده کند و به تحکیم موقعیت و نفوذ خویش بر ضد حکومت جاری بپردازد، چه فاجعه ای در انتظارش است.

با توجه به موقعیت پیش آمده، مامون باید دست به کاری می زد تا از ورطه هلاکت رهایی یابد. فرو نشاندن شورشهای علویان، مشروعیت بخشیدن به حکومت عباسی، از میان بردن محبوبیت علویان، جلب اعتماد و مهر اعراب، خشنود ساختن عباسیان، مستمر ساختن تایید ایرانیان، تقویت حسن اطمینان مردم به خلیفه ای که برادر خود را کشته است و از میان بردن خطر قیام رضوی بخشی از حقایقی بود که مامون را در اندیشه نیرنگ فرو برد. او چنان اندیشید که برای خلافت امام رضا (ع) از مردم بیعت بگیرد، تا امام را خلیفه مسلمانان و امیر بنی هاشم، اعم از عباسیان و طالبیان، قرار دهد. حضرت امام رضا (ع) با پیشنهاد مامون مخالفت کرد. اصرار مامون و خودداری امام دو ماه به طول انجامید. سرانجام خلیفه به حضرت رضا (ع) چنین پیام داد:

«... تو همیشه به گونه ناخوشایندی با من برخورد می کنی، در حالی که تو را از سطوت خود ایمنی بخشیدم. به خدا سوگند، اگر ولیعهدی را پذیرفتی که هیچ، و گر نه مجبورت خواهم کرد که آن را بپذیری، اگر باز همچنان امتناع

بورزی، گردنت را خواهم زد».

ناگفته پیداست که پیشنهاد خلافت هرگز جدی نبود، چگونه ممکن بود مامون، که برای به دست آوردن خلافت برادرش را از میان برد و عباسیان را از خود رنجاند، آن را به امام (ع) واگذار کند؟

این برنامه، مقدمه مساله ولایتعهدی امام رضا (ع) بود؛ مساله ای که حضرت (ع) دلایل پذیرش آن را چنین بیان کرده است:

۱. روزی «ابن عرفه از امام پرسید: به چه انگیزه ای وارد ماجرای ولیعهدی شدی؟ امام جواب داد: به همان انگیزه ای که جدم علی (ع) را به ورود در شورا وادار کرد.

۲. امام در پاسخ ریان، یکی از یارانش، فرمود: ... خدا می داند چقدر از این کار بدم می آمد. ولی چون مرا مجبور کردند که میان کشته شدن یا ولایتعهدی یکی را برگزینم ... در واقع این ضرورت بود که مرا به پذیرفتن آن کشانید و من تحت فشار بودم.

در این روایت امام پذیرش ولایتعهدی را به پذیرش خزانه داری از سوی حضرت یوسف مانند می کند.

مامون در برابر اعتراض عباسیان به مساله ولایتعهدی امام رضا (ع) چنین گفت: «این مرد کارهای خود را از ما پنهان کرده، مردم را به امامت خود می خواند. ما او را بدین جهت ولیعهد قرار دادیم که مردم را به خدمت ما بخواند و به ملك و خلافت ما اعتراف کند. در ضمن شیفتگانش بدانند که او چنانکه ادعا می کند نیست و این امر (خلافت) شایسته ماست نه او. همچنین ترسیدیم اگر او را به حال خود بگذاریم، در کار ما شکافی به وجود آورد که نتوانیم آن را پر کنیم و اقدامی علیه ما بکند که تاب مقاومتش را نداشته

باشیم. اکنون که این شیوه را پیش گرفته، در کارش مرتکب خطا شدیم، و با بزرگ کردن او خود را در لبه پرتگاه قرار دادیم، نباید در کارش سهل انگاری کنیم. بدین جهت باید کم کم از شخصیت و عظمت او بکاهیم؛ باید او را پیش مردم به صورتی درآوریم که از نظر آنها شایستگی خلافت نداشته باشد. سپس درباره او چنان چاره اندیشی کنیم که از خطرات احتمالی اش جلوگیری کرده باشیم».

هجرت امام رضا به ایران

وقتی کار امین پایان یافت و حکومت مامون استقرار پذیرفت. مامون ضمن نامه های متعدد از امام رضا (ع) خواست تا همراه بزرگان علوی به خراسان بیاید و چون با مخالفت امام رو به رو شد، پیکی برای انتقال امام رضا (ع) روانه مدینه کرد.

صدوق از محول سجستانی نقل می کند: زمانی که پیکی برای بردن امام رضا (ع) به خراسان وارد مدینه شد، من آنجا بودم. امام برای خداحافظی از رسول خدا (ص) به حرم آمد. او را دیدم که چندین بار از حرم بیرون آمده، دوباره به سوی آرامگاه رسول خدا (ص) بازگشت و با صدای بلند گریست. من به امام نزدیک شده، سلام کردم و علت این امر را جویا شدم. امام در جواب فرمود: «من از جوار جدم بیرون می روم و در غربت از دنیا خواهم رفت ...»

حسن بن علی وشاء نقل می کند که، امام به من فرمود:

وقتی خواستند مرا از مدینه بیرون ببرند، اعضای خانواده ام را جمع کردم و دستور دادم برایم چنان گریه کنند که صدایشان را بشنوم. سپس میان آنها دوازده هزار دینار تقسیم کردم و گفتم: من دیگر به سوی شما باز نخواهم گشت.

مامون دستور داد امام رضا

(ع) را از مسیر بصره، اهواز و فارس به مرو ببرند. چون بیم آن داشت اگر امام از راه کوفه، جبل و قم حرکت کند، مهرورزی شیعیان شهرهای فوق، حکومت مامون را به خطر اندازد. «تاریخ قم ، که از کهن ترین کتب موجود جهان تشیع است، هجرت امام رضا (ع) را چنین نقل می کند:

«... مامون رضا را از مرو به مدینه در صحبت رجاء بن الضحاک به راه بصره و فارس و اهواز [به طوس آورد] و از برای او در آخر سنه ماتین بیعت به ولایت عهد بستند و امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام را به طوس زهر داد و روز دوشنبه، شش روز از ماه صفر مانده، سنه ثلاث و ماتین مدفون آمد و عمر او چهل و نه سال و چند ماه بوده است، و مدت ولایت عهد دو سال و چهار ماه و قبر و تربت او به دیهی است از دیه های طوس که آنرا سناباد می خوانند، به نزدیک نوقان در سرای حمید بن عبدالحمید الطائی الطوسی در پهلوی رشید ...».

هجرت امام رضا (ع) یک مهاجرت سیاسی اجباری بود که در سال ۲۰۰ هجری به دستور خلیفه وقت انجام شد. مسیر هجرت امام از مدینه به مرو چنین است:

۱. مدینه ۲. مکه (برخی این شهر را مسیر هجرت نمی دانند).

۳. نباج ۴. بصره ۵. اهواز ۶. اربق (اربک) ۷. ارجان (بهبهان) ۸. ابر کوه (ابر قوه) ۹. ده شیر (فراشاه) ۱۰. یزد ۱۱. قدمگاه خرانق (مشهدک) ۱۲. رباط پشت بادام ۱۳. نیشابور ۱۴. قدمگاه نیشابور ۱۵. ده سرخ ۱۶. طوس ۱۷. سرخس ۱۸. مرو

در جریان هجرت حضرت رضا

(ع) سه مساله عمـده روی داد که به ترتیب عبـارت است از: بیمـاری آن بزرگـوار در اهواز، اسـتقبال مردم در نیشـابور و بیـان حدیث سلسله الذهب و زندانی شدن در سرخس.

با توجه به اسـتقبال بی نظیر مردم نیشابور از امام رضا (ع) و بیان حدیث سلسله الذهب از سوی آن حضرت، رژیم عباسی چنان شـایع کرد که امـام رضـا (ع) ادعـای الوهیت کرده، او را بـدین اتهام در سـرخس زنـدانی ساخت. اینکه امام (ع) چه مـدت در زنـدان بود، معلوم نیست. ولی این واقعه نشـان می دهـد که پـذیرش ولایتعهـدی امری تحمیلی بود. با ورود امام به مرو، مامون برای انجام یافتن نقشه اش اسـتقبال باشـکوهی از وی به عمل آورد و پس از پـذیرش ولایتعهدی از سوی امام، به نام آن جناب سکه زد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹